

عنوان مقاله:

تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در مقامه مضیریه بدیع الزمان همدانی

محل انتشار:

دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره 7، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

سید مهدی مسبوق - دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

شهرام دلشاد - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

خلاصه مقاله:

نظریه «زبان شناسی سیستمی-نقشی» مایکل هلیدی از مهم ترین نظریات زبان شناسی است که در چارچوب نقشگرایی، به شکلی سازمان یافته و منظم متون مختلف ادبی را تحلیل می کند. او در بخشی از این نظریه، از مولفه هایی سخن می گوید که یک متن منسجم باید از آن ها برخوردار باشد. سپس رقیه حسن با ارائه یک نظریه جداگانه، با عنوان «نظریه هماهنگی انسجامی» تکمیل کننده نظریه همسرش، مایکل هلیدی می شود برخی منتقدان همچون زکی مبارک موسی سلیمان و ابن طقطقی معتقدند که مقامات به عنوان یکی از کهن ترین انواع روایی، از انسجام لازم برخوردار نیست، گرچه این نظر تاحدودی صحیح است و هدف آموزش زبان باعث شده که مقامه نویسان لازم برخوردار نیست. گرچه این نظر تاحدودی صحیح است و هدف آموزش زبان باعث شده که مقامه نویسان تاحدودی به انسجام و پیوستگی متنی و معنایی چندان توجهی نکنند، در میان انبوه مقامات برخی ها از چنان انسجامی برخوردارند که با آثار روایی منسجم و درهم تنیده معاصر برابر هستند یکی از آنها مقامه مضیریه بدیع الزمان همدانی است که در این نوشتار می کوشیم در پرتو نظریه هلیدی و نظریه تکمیلی رقیه حسن، عوامل انسجام از قبیل دستوری واژگانی و پیوندی به همراه سایر ویژگی های هماهنگی انسجامی مانند زنجیره ها و تعامل بین زنجیره ها باعث انسجام اجزای این مقامه شده اند.

کلمات کلیدی:

انسجام، هلیدی و حسن، مقامه، مقامه مضیریه، بدیع الزمان همدانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/489855>

